

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختری
همبورگ - جرمنی

برادر و خواهر مهاجر

هوس میخواد اما قصر و موتر
اپارتمان و سرای و باغ و باغبان
غلام و لاله و دائی و آشپز
کنیز و ناظر و چاپدار و دربان
چنین است آرزوی زندگانی
خیر از مادر میهن نداریم
ز دست ظلم روس و خلق و پرچم
ز فرزندان خود دارد شکایت
ز صاحب منصب شامل به اردو
که آن بیچاره را تنها گذاشتند
و لیکن بر مجاهد آفرین باد
جهاد فی سبیل الله نمودند
من و تو ای عزیزان مهاجر
چه کردیم بهر دین و میهن خود
کسی کو در خور پیکار نبود
و لیکن از ره تحریر و گفتار

زمین و سهم بانک و پیسه و زر
گو و گوسفند و اسپ و مرغ و کفتر
خزانه دار و منشی و درپور
سر و سامان و هم دیوان و دفتر
الا ای خواهر و جان برادر
پریشان است با یک حال ابتر
نه خواب راحتی دارد نه بستر
به پیش خالق یکتا و داور
ز خرد ضابط گرفته تا به افسر
به نزد دشمن مکار و کافر
حلال شان شود آن شیر مادر
بگفتند نعره الله اکبر
اگر انجنیر، هستیم و داکتر
به قدر خردل و یا کاه و جودر
خدا می بخشد هر معذور و مضطر
شگافتن قلب دشمن را به خنجر

جهاد بر هر مسلمان میشود فرض

مثال {ناظم} و مفتی و زرگر

۱- این پارچه شعر در جریان جهاد سروده شده بود